

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم "اسیر"

فکر درم!

(از بخش دوم « فریاد اسیر »)

طنز انتقادی

چندی قلم شکسته به فکر درم شدم
کم بود بیش ازین سر و سامان زندگی
رشم به شکم دگران آمد، از تلاش
بس رنجهای ز گزردش دوران کشیده ام
از ذوق شعرگویی و تهدید و انتقاد
ببار عیالداري به دوشم فتاده بود
طفلی که پا برهنه به مکتب روانه بود
با دیگرش که پاره لباسی به تن نداشت
بس احتشام خلق جهان چشمگیر بود
پولی به دست آمد و با آستین نو
بسیار تلخ دیده و شیرین شنیده ام
شبها به یاد نرگس مخمور گلرخی
رند خراب و دلق کرامات سوخته

از خود برون، بفکر درم یکقلم شدم
یک بیش و کم به آرزوی بیش و کم شدم
در فکر سیر کردن نفس و شکم شدم
چندی پی تلافی این رنج و غم شدم
خامش نشسته، منکر لا و نعم شدم
در فکر پیش بردن این بار غم شدم
دستش گرفته در غم او پُرالم شدم
با پاره پاره دامنی، چم رفته خم شدم
در جست و جوی راحت و جاه و حشم شدم
در هر کجا معزز و هم محترم شدم
که تلخ و گه تَرش به هزاران رقم شدم
در پای خم به آرزوی خام، خم شدم
جامی بکف گرفته تو گویی که جم شدم

دیدم بسی فـراز و نشیب زمانه را در ساز زندگی رقم زیر و بم شدم
با این هوس، به ماده ز معنی گـریختم ای وا که با وجود خیالی عدم شدم
پا از گلیم خویش برون کرده، چند روز در جان خویش مایه درد و ستم شدم
دیدم که این هوا و هوس جمله خام بود بار دگر به پختگی، در راه سم شدم
برداشتم قـلم که کنم انتقاد « اسیر »
بُران بسان خنجر تیز دو دم شدم

(کابل عزیز - حوت ۱۳۳۵ هـ ش)